

## منطق از نظر خواجه طوسی

خواجه نصیرالدین ابوجعفر محمد طوسی (۵۹۷ - ۶۷۲) پس از ۶۱۹ یا ۶۲۴ و پیش از ۶۳۲ تا ۶۵۴ در دژهای قیستان و الموت بسر می‌برده و پس از آن در بغداد و مراغه می‌زیسته است.

او در منطق چندین کتاب نگاشته و در چند کتاب دیگر از مسائل منطقی بحث کرده که اینک بر می‌شمریم:

۱- «اخلاق فاضلی» به فارسی که در ۶۳۳ ساخته و در آغاز آن فصلی درباره اقسام علوم گذارده است. و شاید در این بخش از کار کنندی و فارابی و ابن‌سینا و ابن‌مسکویه بهره برده باشد، میدانیم این مبحث هم با فن برهان «ارغنون» ارسطو پیوسته است.<sup>۱</sup>

۲- «اساس الاقتباس» به فارسی که در ۲۲ ج ۶۴۲/۲ در قهستان بدانجام رسانده است.<sup>۲</sup> در این کتاب یک دوره منطق ارسطالیسی در نه بخش آمده و ترجمه گریده‌مانندیست از منطق «الشفاء» ابن‌سینا ولی گاهی سخنان فارابی (ص ۸۹) و ابن‌سینا در «الاشارات» و «النجاه» و «الاوسط» الجرجانی (ص ۲۴۹) و خواجه ابوالبرکات بغدادی (ص ۱۹۴) و امام فخر رازی (ص ۱۶۵ و ۱۶۷) را هم می‌آورد.

۱- دیباچه اخلاق محتشمی؛ مدرس ۲۵۶؛ یادنامه طوسی ص ۱۷۲، مقاله من درباره بیوستگی منطق و ریاضی نزد خواجه طوسی.

۲- فهرست منزوی ۱۴۹۲؛ سرگذشت طوسی از مدرس رضوی ۲۴۵.

رساله مقولات عشر که جداگانه هم دیده میشود مقاله دوم همین کتاب است.<sup>۳</sup>

۳- حل مشکلات «الاشارات» که در میانه ماه صفر ۶۴۴ انجام یافته است.<sup>۴</sup> طوسی در آن به شرح و تفسیر سخنان ابن سینا پرداخته و گاهی هم در منطق آن از گفته‌های دیگران مانند فارابی و ابن سهلان ساوی و افضل‌الدین کاشانی در آن آورده و از سخن ابن سینا در «الحکمة المشرقیة» هم یاد کرده است.<sup>۵</sup>

۴- «منطق التجريد» که در نیمه‌های ماه شعبان ۶۵۶ پایان رسیده است.<sup>۶</sup>

این هم در نه‌بخش است به روش ارسطاطالیسی و گریخته‌ایست بسیار کوتاه درست مانند «جوامع» ابن رشد یا رساله‌های کوچک ابن سینا. او در آن یک‌جا از اثیرالدین ابهری (ص ۷۸ و ۱۱۵) سخنی آورده است.

۵- تعدیل المعیار فی نقد تنزیل الافکار که در نیمه‌های ماه شعبان ۶۵۶ پایان یافته است.<sup>۷</sup>

این کتاب نقدیست بر آراء منطقی و فلسفی اثیرالدین مفضل بن عمر ابهری (در گذشته نزدیک ۶۶۵).

در «تنزیل الافکار فی تمذیل الاسرار»، و بخش منطقی آن در «منطق» و «مباحث الفاظ» دیده میشود و سه نسخه از آن نشان داده شده است.

۳- مدرس ۲۹۸ - منزوی ۱۵۵۹ - سپه ۵ : ۶۴۳ ... دانشگاه ۳ : ۱۶۷.

۴- مدرس ۶۴۶.

۵- نهج ۵ اشاره ۳ و نهج ۴ اشاره ۵، نهج ۵ اشاره ۳ و نهج ۷ اشاره ۵، نهج ۸ اشاره ۴، نهج ۱ اشاره ۱۴.

۶- مدرس ۲۴۱.

۷- مدرس ۲۵۵ - منطق و مباحث الفاظ ص ۴۲ دبیاجه.

در فهرست الازهر (۳: ۴۸۲) از بخش الهی «تنزیل الافکار فی تعدیل الاسرار» ابهری یادگشته<sup>۱</sup> و در فهرست قرطای (ش ۶۷۳۳) از نسخه‌ای از «تعدیل المعیار فی نقد تنزیل الافکار» (ش ۳۴۹۶ احمد ثالث از سده ۹) وصف شده است که آغاز آن مانند چاپ شده است.

در «تعدیل المعیار» طوسی ازین مسائل که ابهری آورده است گفتگو میشود:

۱- تصور و تصدیق.

۲- سه بخش منطق: بدیهی مستقل در اکتساب محمولات، کسی مکتسب به بدیهی بی نیاز از منطق و به قسم یکم آن مانند حسابیات و هندسیات استدلالی با قیاسیات بین، کسی نیازمند به منطق که مسائل اختلافی آن باشد.

۳- حل مساله مجهول مطلق.

۴- مفرد موصل است یانه.

۵- موضوع منطق معقولات ثانیه است.

۶- الفاظ.

۷- کلیات.

۸- تعریفات.

۹- قضایا.

۱۰- مواد قضایا.

۱۱- شرطیات.

۱۲- تناقض.

۱ - ش ۳۹۷ امبابی ۴۸۷۶۶ مورخ ۶۹۴ نوشته عمرین عیسی در ۷۳ گ ۱۹ س، با آغازی چنین «رب تم و وفق، العلم الثانی الالهی و فیه خمس مقالات» وهم بالین عبارت «قصدت فیه تحریر ما ادت الیه افکاره و استقر علیه رأیه من القوانین المنطقية واحکمیة و ذکر فیه فساد بعض الاموال المشهوره (فهرست المخطوطات المصوره ۱: ۲۵۵).

- ۱۳- عکس.
- ۱۴- عکس نقیض.
- ۱۵- قیاس.
- ۱۶- مختلطات.
- ۱۷- اقترانات شرطی.
- ۱۸- مبادی اقیسه.
- ۱۹- اجزاء علوم.
- ۲۰- مغالطه.
- ۲۱- «کل کلامی کاذب»<sup>۹</sup>.
- ۲۲- ترکیب سفالطات.
- ۶- «تلخیص المحصل» که در ۶۶۹ بانجام رسیده و نقدیست برسخنان اما مفضل الدین رازی و در رکن نخستین آن نکاتی درباره تصور و تصدیق و نظر و استدلال آمده است<sup>۱۰</sup>.
- ۷- «المطارحات المنطقیه بین الکاتبی والطوسی»، گفتگویی است که میان خواجه طوسی و نجم الدین عمر کاتبی دبیران قزوینی در گذشته ۶۷۵ شده است درباره: ۱- المقول و المقول علیه، ۲- السالبة الكلية لاتنمکس، ۳- نقیض العام و نقیض الخاص، ۴- جواب مغالطة الاستلزام یا حل شبهة الاستلزام که دبیران یا دیگری از طوسی می‌برسد تا او آنچه در این باره می‌اندیشد بدو بگوید<sup>۱۱</sup>.
- چهارمی اینها مغالطه و شبهه‌ایست که دبیران آورده و ابن کمونه آن
- 
- ۹- این بند از تعدیل المعیار در دانشگاه هم هست (۱۵۲۲۸)؛ سراب تنکابی هم در رساله خود به حل طوسی اشارت کرده است (دانشگاه ۳: ۵۶).
- ۱۰- مدرس ۲۵۴؛ نسخ کهن شماره ۱۱۵۰ دانشگاه تهران که در فهرست من (۲۱۶۷:۶) وصف شده است.
- ۱۱- مدرس ۷-۲۸۵ و ۳۰۱ و ۳۰۵؛ منطق و مباحث الفاظ ص ۵۳ دیباچه.

را از طوسی پرسیده و او پاسخ گفته است، سپس این کمونه بدو پاسخ میدهد.

محمد سراب تنکابنی هم در رساله خود درباره این شبهه از «نقدالتنزیه» طوسی و از این کمونه سخنانی میآورد (فهرست دانشگاه، ۳: ۵۶).

۸- «اجوبة مسائل السيد ركن الدين حسن البجرجانی».

این دانشمند گرگانی در ۶۷۲ در بغداد با خواجه طوسی بوده و در ۷۱۵ درگذشته است.<sup>۱۲</sup>

این پاسخ و پرسش شاید در ۶۷۱ بهنگارش درآمده باشد.

ده مسأله آن در منطق است درباره: نیاز به منطوق، قضایا، کمال مشترك، عکس ممکن، شك، استلزام، شرطیات، عکس سالبه، جنسیت جوهر، علیت جنس».

۹- «رسالة فی اثبات الجوهر المفارق» یا «رسالة فی اثبات العقل» یا

«رسالة فی نفس الامر» که در آن از معنی «نفس الامر» گفتگو داشته است<sup>۱۳</sup> و این بحث را با منطوق پیوندی است.

آنرا شمس‌الدین محمد کیشی درگذشته ۶۹۴ بنام «روضه الناظر» شرح کرده است. پیداست که از همان آغاز بهارزش این رساله پی برده بودند چنانکه شیخ بهائی و ابراهیم شیروانی و دوانی و حسین الهی اردبیلی و محمد حنفی هروی تبریزی هم بر آن شرح و حاشیه دارند.<sup>۱۴</sup>

۱۰- «اقسام الحکمة» که در آن مانند کندی و فارابی و ابن سینا

۱۲ - مدرس ۱۴۲؛ منطوق و مباحث الفاظ ص ۴۹ دیباچه.

۱۳ - مدرس ۱۵۶ - ۲۶۳ و ۲۹۹ و ۳۱۸ و ۳۴۳ - سرگذشت قطب شیرازی از مینوی.

۱۴ - مجلس ش ۶۱۱/۴ و ۶۳۵/۸ - سه ۵: ۱۹۴ - برلین ۵۳۵۶ تا ۵۳۶۱ - فهرست آستان قدس ۴: ۱۸۵ تا ۱۸۲ - دانشگاه ۳: ۲۷۶.

مشکویه رازی از گونه‌گون دانشها یاد کرد و آنها را به‌جهل و چهار بلکه با اقسام منطق به‌پنجاه وسه رسانده است، مانند آنچه در آغاز «اخلاق ناصری» می‌بینیم.<sup>۱۵</sup>

۱۱ - هفت‌بیت فارسی در اقسام موجودات و مقولات به طوسی نسبت داده‌اند که میرزا ابوجعفر کافی در خجی‌قائینی بر آن شرح نوشته است و این شرح در «منطق و مباحث الفاظ» به‌چاپ رسیده است.<sup>۱۶</sup>

۱۲ - «تجرید الاعتقاد» که در کلام است به‌روش شیعی دوازده‌امامی و اعتراف‌نامه او است<sup>۱۷</sup> و او در آن در مبحث علم از باره‌ای از مباحث منطق گفتگو داشته و اصل تعلیم را مانند غزالی و دیگران رد کرده است. از نگریستن به آثار منطق طوسی چنین بر می‌آید که:

۱ - او در منطق مانند کندی و فارابی و ابن‌سینا بروش ارسطاطالیسی رفته و مباحث آن را در نه بخش مانند «ارغنون» آورده و نخواسته است که مانند ابن‌سینا در «الارجوزة» و «منطق مشرقی» روش دوبخشی که متاخران پیش گرفته‌اند بگیرد.

۲ - آثار منطقی او برخی شرح است مانند حل مشکلات «الإشارات» و «تلخیص‌المحصل» و «تمذیل‌المعیار»، و برخی ترجمه‌گزیده آزاد است مانند «اساس‌الاقتیباس» فارسی او<sup>۱۸</sup>.

۱۵ - مدرس ۳۱۳.

۱۶ - فهرست فیلمها ۱ : ۷۴۴ - فهرست الهیات ۲ : ۲۴ - دیباچه منطق و مباحث الفاظ ص ۷۰.

۱۷ - مدرس ۲۴۱.

۱۸ - این کتاب را رکن‌الدین محمد بن علی فارسی گرگانی استرآبادی به‌عربی درآورده است (مدرس ۵ و ۲۴۵ و ۲۴۹ و ۲۶۰ و ۲۹۸) در فهرست آستان قدس (۴ : ۲۱۵) از این ترجمه یاد شده و در فهرست قرطای (ش ۳-۶۸۱۲) آمده که این کتاب در روزگار فاتح به‌عربی درآمده و دو نسخه نشان داده شده که هر دو در ۸۶۹ نوشته شده است (ش ۳۴۲۸ و ۳۴۴۱ احمد ثالث).

و برخی رساله مختصر موجز، درست مانند «جوامع» ابن رشد، و برخی نقد است مانند همان «تلخیص المحصل» و «تعدیل المعیار» و برخی گفتگو و پاسخ پرسش است مانند «مطارحات» کاتبی و طوسی و پاسخ و پرسش طوسی و استرابادی.

۳- او گاهی در نوشته‌های خود از آراء دیگران مانند ابوالبرکات بغدادی و افضل‌الدین محمد کاشانی و اثیرالدین ابهری می‌آورد و از آنها بهره میبرد یا از آنها خرده میگیرد.

۴- چون او در ریاضی سرآمد بوده است خواسته است که در منطقی کیفی اعمال کمی ریاضی را بکار برد، این بود که به پیروی از «تقویم‌الذهن» ابوالصلت اندلسی و «المعتبر» ابوالبرکات بغدادی حروف و جدول در منطق بکار برده است. نمونه آشکار این دوکار «اساس الاقتباس» و «تجربیدالمنطق» او است.

خواجه طوسی گذشته از مسائل خاص منطقی که در رساله‌های کوچک خود آورده است به دو مسأله جدلی هم پرداخته است:

۱- «حل مسأله کل کلامی کاذب» (آنچه میگویم دروغ است) که متاخران آنرا «حل شبهة الجذر الاصم» نامیده‌اند و فارابی در تفسیر «کتاب القیاس» از آن یاد کرده و از دانشمندان متأخر شمس‌الدین محمد سمرقندی در گذشته نزدیک ۶۰۰ در «قطاس» و اثیرالدین عمر مفضل ابهری در گذشته نزدیک ۶۶۰ در «تنزیل الافکار فی تعدیل الاسرار» و نجم‌الدین عمر دبیران کاتبی قزوینی در گذشته ۶۷۵ و سعدالدین مسعود تفتازانی در گذشته ۷۹۲ در «شرح المقاصد» و افضل‌الدین محمد صدرترکه خجندی سپاهانی که در ۸۵۰ کشته شده است در «انموذج العلوم فی مسائل من الفنون» (مسأله هفتم در نسخه ش ۱/۱۶۲۱ ملک) و صدرالدین محمد دستگی (۸۲۸ - ۹۰۳)، و جلال‌الدین محمد دوانی (۸۲۸ - ۹۰۸) و شمس‌الدین

محمدخضری در گذشته ۹۴۲ در رساله «حیرة العفلاء» یا «حیرة الفضلاء»<sup>۱۹</sup>،  
 ۱- ش ۸۶۸/۲ دانشگاه یاد شده در فهرست ۳ : ۴۵ و ش ۱۵۲۲/۷  
 و ۳/۳۴۳۵ دانشگاه - ملك ۴/۲۲۶۴) و «عبرة الفضلاء»<sup>۲۰</sup> و غیاث‌الدین  
 منصور دشتکی در گذشته ۹۴۸ و سید داماد استرآبادی در گذشته ۱۵۴۵ در  
 (الافق‌المبین» و محمد سراب پسر عبدالفتاح تنکابنی زنده در ۱۵۸۸ و  
 ۱۱۵۶ در رساله خود که در ۱۵۹۷ ساخته است<sup>۲۱</sup> به حل آن پرداخته‌اند.<sup>۲۲</sup>  
 چنانکه قرطای در فهرست طویقیوسرای گفته است (۶۹۱۵) احمد  
 شوقی سخنان دانشمندان را در این زمینه گردآورده است.

اشکال در چنین خبری اینست که اگر «آنچه میگویم دروغ است»  
 راست باشد پس هم راست می‌شود و هم دروغ و اگر دروغ باشد پس وصف دروغ  
 بودن را دارد پس راست خواهد بود که دروغ است پس هم راست است  
 و هم دروغ است.

خواجه طوسی در حل این مشکل میگوید که خبر «کل کلامی  
 کاذب» به خودش اشارت نخواهد کرد و گرنه خبر و مخبر عنه (آنچه که از  
 آن خبر داده میشود) یکی خواهد بود پس مطابقتی میان آن دو تصور  
 نخواهد شد پس راست و دروغی در میان نخواهد بود چه راست و دروغ در  
 خبری پیدا خواهد شد که با واقع دیگری مطابق درآید یا نیاید در این جا خبر  
 با واقع یکی‌اند پس در این خبر نتوان گفت که راست است یا دروغ.

۲- شبهة الاستلزام که دانشمندان سده ۱۱ و ۱۲ مانند:

۱- مرادبن علی‌خان تفرشی (۹۶۵-۱۵۵۱) در «انموذج الموسوی»،

۱۹ - ش ۸۶۸ دانشگاه یاد شده در فهرست ۳ : ۴۵ و ش ۱۵۲۲/۷ و ۳/۳۴۳۵ ملك ۴/۲۲۶۴.

۲۰ - ش ۱۵۳۵/۱۱ دانشگاه یاد شده در فهرست ۳ : ۶۳ و ش ۱۵۵۶/۲.

۲۱ - ش ۸۸۸۶ دانشگاه یاد شده در فهرست ۳ : ۷۵.



- ۲- سلطان العلماء علاءالدین حسین آملی اصفهانی در گذشته ۱۰۶۴،  
 ۳- میرزا رفیعا رفیع‌الدین محمدبن حیدر نایینی (۹۹۵ - ۱۰۸۵)،  
 ۴- ملاخلیل قزوینی (۱۰۰۱ - ۱۰۸۹)،  
 ۵- محقق محمدباقر سبزواری (۱۰۱۷ - ۱۰۹۰)،  
 ۶- محقق آقا حسین خوانساری (۱۰۱۶ - ۱۰۹۸)،  
 ۷- ملامیرزا محمدبن حسن شیروانی در گذشته ۱۰۹۸،  
 ۸- ظهیرالدین علی تفرشی از سده ۱۱،  
 ۹- شیخ حسین بن ابراهیم تنکابنی زنده در ۱۱۰۴،  
 ۱۰- ملافاضل یزدی،  
 ۱۱- محمدهادی دررد ابن کمونه،  
 ۱۲- میر عبدالرحیم،

از آن و «شبهه‌الدور» و «الظفرة» و «المیزان» و «عدم‌المرکب» و «الحاق‌الفرد بالاعم‌الاعلم» و «تخلف‌المعلول عن‌العله» و «امتناع - الحكم علی‌المجهول المطلق» کاوش کرده‌اند.<sup>۲۳</sup>

خواجه طوسی در پاسخ پرسشی که ابن کمونه درباره گفتار دبیران قزوینی در این باره از وی کرده است در «المطارحات المنطقية بين‌الکاتبی

۲۲ - مقاله من درباره فارابی در مجله دانشکده ادبیات تبریز ش ۱۱۳: ۱۵۳؛  
 فهرست دانشگاه ۴۵: ۳ و ۶۳ نیز ش ۱۵۵۶/۳ و ۹ و ۱۹۲۸/۸؛ فهرست آستان رضوی  
 ۴ : ۳۷۹ و ۳۸۵ و ۳۸۸ ش ۲۱۸ و ۲۲۱ و ۲۵۱ منطق؛ فهرست مجلس ۹ : ۵۴۹ و  
 ۱۵ : ۱۹۸۸؛ فهرست دانشکده حقوق ص ۵۵۹؛ ملک ش ۱۳ تا ۲۸۲۴/۱۵ و ۱۲ تا  
 ۲۹۷۵/۸؛ فهرست شهرستانها ۱۴۰۹ و ۱۳۹۳.

۲۳ - سخنان خوانساری و سبزواری بجا رسیده است، بنگرید به : مدرس ۲۸۷  
 و ۳۰۵ : ذریعه ۱۳ : ۲۵ و ۷ : ۶۹ و ۲ : ۴۰۸؛ فهرست آستان رضوی ش ۱۲ و ۲۵۱؛  
 فهرست سه‌سالار ۵ : ۱۳۴ تا ۱۳۶؛ دانشگاه ش ۱۵ تا ۲۱۹۸/۱۲ و ۲۵ تا ۲۳ و  
 ۲۴۵۰۱/۲۱ و ۳۴۶۶/۳؛ فهرست ادبیات ص ۱۸۸ درباره تفرشی؛ فهرست ادبیات ۳۵: ۳  
 و ۳۶؛ فهرست شهرستانها ۱۴۷۸؛ متروی ۸۰۵.

والطوسی» (ص ۲۸۵ و ۳۰۵ منطق ومباحثالفاظ) راهحلی پیشنهاد میکند.

اینشبهه را گویا بتوان چنین طرح کرد که: هرچه موجب نفی و برداشتن امری واقعی نباشد، خودش موجودی واقعی خواهد بود، چه اگر واقعی نباشد و نیست باشد، پس هستی خود را برخواهد داشت و اگر هستی بیابد نیستی خود را که امری واقعی است بر میدارد و گفتیم که نیست.

طوسی در پاسخ میگوید که آنچه نیست، تا هنگامی که هستی خود را بر میدارد نه اینکه خود بخود و بذات خود خواهان نیستی خود باشد.